

نویسنده : فواد پامیری

مسأله وحدت و هویت چپ دموکراتیک

هدف از این جسارت در برابر پیشکسوتان نهضت چپ دموکراتیک و آنانی که با دستگاه فکری اندیشه های چپ مجهز استند ، فقط و فقط باز نمودن باب یک بحث پولیمیک بوده تا زمینه ساز یک گفتمان سالم در رابطه با بحران فکری چپ دموکراتیک گردد. بگذار هر چه مینویسم مقبول خاطر بعضی ها قرار نگیرد اما باورمندم راه برونرفت ازین بحران مضاعف را جستجو کرده ، به بی باوری ها ، بد فهمی ها و من چه میدانم ها نقطه پایانی بگذارد.

بحران مضاعف گفتم ، منظورم از بحران ، همین بحران فکری است که از آغاز دهه نود میلادی و به خصوص پس از فروپاشی اتحاد شوروی و بلاک سوسیالیستی ، نه تنها دامنگیر اندیشه های چپ مارکسیستی شد بلکه نظر به تحولات و دگرگونی های جهانی ، یک قطبی شدن دنیا و بعد ها چند قطبی شدن آن ، سایر نیرو های چپ را هم در خلای فکری قرار داد. مضاعف بودن این بحران که ریشه های آن در سطح ملی و بین المللی گسترده است برای همه در خور فهم و شناسایی است.

از آنجائیکه نهضت چپ دموکراتیک در سطح کشور ها قادر به ارائه نسخه آماده و تجربه شده نیست ، همینسان بغرنجی و پیچیده گی این بحران در سطح جهانی ، ناتوانی های جدی را به نمایش گذاشته است. تعدد وریانت های مؤثر در اوضاع جاری به اندازه یی است ، که رسیدن به یک نظر جمعی را در شرایط فعلی منتفی میسازد.

در حدود توانمندی ذهنی تلاش میکنیم ، برخی از مؤلفه ها را از موضع شرح طرح واره ها به بحث کشیده و از لابلای این طرح واره ها ، راه را برای رسیدن به هدف غایی باز کنیم.

یکی از ویژه گی های رسیدن به این آرمان همانا صداقت در گفتار و عمل بوده ، حین نقد و به بحث کشیدن مسایل جدی و حیاتی راه را با بیراهه به اشتباه نگیریم.

قبل از اینکه در جستجوی پاسخی شویم که ،چپ چیست ؟ بهتر است کمی دقیقتر شویم که چپ مدرن دموکراتیک امروز چی میخواهد ؟ پایگاه این نیرو در کجاست ؟ و خواستگاه آن به کجا می انجامد؟

باز مانده های چپ دیروز باورمند به اندیشه های مارکسیزم چه پیروان خط مسکو و چه پیکنگ «البته ازین نسبت و کلی گویی پوزش میخوایم، عمداً نمیخواهم داخل این بحث شویم» امروز کمتر نظریات مشترک دارند ، زیرا افکار ایشان با تأثیر پذیری از تحول اندیشه یی دستخوش دگرگونی های جدی گردیده که در بسا موارد در برابر هم می ایستند.

به پرسشی بر میخوریم که ، ریشه های این دگرگونی و تحول فکری از کجا آب میخورد ؟ به نظر من مشکل اساسی در فهم مفاهیم دموکراسی و لیبرالیزم نهفته است ، زیرا یکعده ، از یکسو تن به قوانین دیالکتیک مسأله نمیدهند و از سوی دیگر با استفاده از فورمول ساده سازی ، لیبرالیزم را جاه نشین اندیشه های چپ دانسته و یکسره آنرا با دموکراسی گره زده و راه نجات میدانند.

تا جای که دیده میشود ، کسانی از اندیشه داران چپ جامعه ما ، مانند برخی از پیشینان خود ، به خبط یا بد فهمی های مبتلا استند که پاسخگوی نیاز مندی های زمان ما نبوده و چندان خوشایند به نظر نمیرسد . ما در حوزه اندیشه سیاسی ، چه در سطح جهانی و چه در چهارچوب ملی پژوهنده گان را داشتیم که به قصد تنزیه یا دور نگه داشتن و پاک نگهداشتن لیبرالیزم از شهوات کپیتالستی همت کرده اند تا بر همذات بودن این دو مفهوم تردید وارد کرده و لیبرالیزم را در حوزه های انسانی یا به زعم ایشان انسانی تر قرار دهند ، این تلاش به همان اندازه نابجا و نارساست که تلاش و سعی افرادی از اندیشمندان چپ در همذات بودن و یا جدا ناپذیر بودن دموکراسی و لیبرالیزم.

به باور ما دموکراسی چهار چوب و قالب از شکل دولت است که به واسطه امکان و استعداد ذاتی اش میتواند از هر نوع محتوا سر شار شود. اگر امروز لیبرال دموکراسی ، مدعی اول دموکراسی در جهان شده است ، تنها و تنها به این دلیل است که گونه های از اندیشه چپ هر گاه مظلوف این قالب شده اند ، به سرعت ظرف را شکسته اند. خوب این به معنا آن نیست که ایرادی به اندیشه چپ وارد کنیم ، بلکه بودند گروهی در اندیشه چپ که شأن چپ و دموکراسی را یکجا و با هم ندانسته اند.

بر این اساس ضمن در خواست این مسأله که دموکراسی را قرینه تداعی لیبرالیسم ندانیم ، بر علاوه انسانها در پروسه اجتماعی نقش پادوی تاریخ را بازی نمیکنند ، ما نیروی چپ بر علاوه که معتقد به این اصل استیم که جامعه اصالتمند است ، لذا افراد متأثر از این هویت واقعی، پاره ای از رفتار ها را ناشی از شرایط محیط ماحول یا پیرامونی خود تحت تأثیر برخی از مناسبات ایجابی اجتماع بروز میدهند ، به همین نسبت معتقدیم که انسان ها استند که تاریخ میسازند اگر چه نه آنگونه که خود میخواهند.

چرا از پادوی تاریخ منکر آمدیم ؟ و با وصف آنکه تاریخ را آنچنانیکه میخواهیم ساخته نمیتوانیم ، پس دنبال ساختن چی استیم ؟

هویت و سیمای چپ مدرن دموکراتیک چی است ؟ چرا بعضی ها با شنیدن کلمه چپ ، چپ چپ نگاه میکنند ؟ و ادعا دارند که دیگر چپ در افغانستان جاه ندارد و چرا این ادعا را با وجود پایگاه مشترک و گذشته مشترک موجه تلقی مینمایند ؟ به این چرا ها باید پاسخ گفت در غیر آن ما به صفت افراد فاقد اراده تن به سیاست های گله یی خواهیم داد و تاریخ را که در ساختن آن ناتوانی مشهود داریم ، زشت تر و بد قواره تر خواهیم ساخت.

به نظر این قلم ، چپ مدرن دموکراتیک هیچگاهی در برابر قوانین دیالکتیکی انکشاف جامعه قرار نمیگیرد ، راه های کوتاه رسیدن به هدف را توسل به خشونت یا بر خورد

انقلابی و قهر آمیز انتخاب نمیکند ، بلکه راه های سهل و آسان را به خاطر دفاع از حق زحمتکشان در درون نظام جستجو میکند . چپ مدرن هیچگاه به وضع موجود در درون و ساختار نظام بسنده نکرده تلاش میکند ، تا شیوه های زنده گی بهتر را با در نظر داشت جوهر فکری خود که همانا دفاع از حق بر حق انسان زحمتکش و مظلوم است جستجو کرده و بیان نماید، چپ مدرن معامله گر نبوده و برای رسیدن به پله های پایینی قدرت اندیشه و تفکر خود را به هراج نمیگذارد، تن به معاملات خفت آور پشت پرده نداده بلکه اتکا به نیروی مردم میکند و با پشتیبانی و حمایت مردم دنبال ساختن یک نظام مدرن سیاسی برای رفاه همگانی میباشد ، چپ دموکراتیک به هیچوجه تسلیم ذهن عقبمانده حاکم در جامعه نگردیده ، بلکه برای یک لحظه هم پرچم روشنگری را از شانه به زمین نمیگذارد.

تا آنگاهیکه ظلم و بیعدالتی ، چور و چپاول ملت های فقیر و نادار ، هیرارشی سرمایه داری با اندیشه های لجام گسیخته دنیای زور و سرمایه بیداد میکند ، اندیشه های چپ دموکراتیک به مثابه یگانه وسیله مبارزه اجتماعی پا برجا خواهد بود.

آنچه که تا اینجا روی هویت و سیمای چپ دموکراتیک گفته آمد ، سخنانی جسته و گریخته بود که به گونه کل بیانگر همه خواسته های من نمیتواند باشد ، گفتنی های مورد بحثم را به خاطر زیادی سخن کوتاه نموده روی مسأله اساسی یعنی وحدت که مرا واداشت تا این بحث پولیمیک را راه اندازی کنم مکث مینمایم.

روی سخن ما بالای آغاز پروسه وحدت بین نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و حزب متحد ملی بوده ، دو حزب که پایگاه های مشترک ولی خواستگاه های متفاوت دارند.

قبل از داخل شدن به عمق مسأله وحدت ، خدمت آنعده از رفقای که بدون چون و چرا و چشم و دلباخته به امر وحدت امید بسته اند بیان میدارم که تا پیش از هرگونه پیشداوری این خامه را از آغاز تا انجام با حوصله مندی تمام به خوانش گرفته راه بدفهمی ها را سد گردند.

هیچ عقل سلیمی اجازه نخواهد داد که انسان متعهد بر علیه اتحاد نیرو های مترقی و پیشرو قرار گیرد، ولی به خاطر پیش کشیدن پای اصول و وحدت اصولی ، که یکی از شاخصه های عقلانیت سیاسیست ، نباید با چوب تکفیر کوبیده شده و متهم به عنصر مخرب در پروسه وحدت گردد . آنانیکه به میکانیزم این پروسه باور داشته و چنین میپندارند که دیگران به خطا رفته اند ، با مهربانی تمام نکات نظر و آگاهی های خویش را با دیگران قسمت کنند تا ازین دلواپسی ها نجات یابیم.

آنسائی که در تازه ترین آگاهی کمیسون های تفاهم میخوانیم ، این پروسه در سه مرحله « تفاهم ، تدارک و وحدت » به کمال میرسد که ما هنوز در آغازین پله تفاهم آن قرار داریم.

هر گاه راه سپری شده را تا اینجا به فال نیک بگیریم ، استند کسانیکه دلواپسانه آرزو دارند تا این راه دور و دراز را یک شبه طی کنند.

به گونه کل در میان هر دو حزب دو نظریه و یا دو گروه با دیدگاه های گونه گون دارای هواخواهان و سینه چاکان اند که گروه اولی با محک قرار دادن گذشته مشترک به خواستگاه های فکری خویش بی توجه بوده ، به وحدت بدون قید و شرط دلباخته و همه گره ها را باز شده میپندارند ، آنها با بی باوری به هیچ اختلافی کنگره وحدت را حلال همه مشکلات میدانند.

گروه دوم ، با پابندی به اصول تفاوت های جدی را در اصول مرامی هر دو سازمان دیده ، خواهان آن اند تا با کنار گذاشتن اختلافات اندیشه یی به امر وحدت عطف توجه صورت گیرد تا در صورت ایجاد حزب واحد به وحدت دیگری نیاز نداشته باشیم.

گروه دوم که در نهضت فراگیر از ظرفیت و پوتنسیال قابل ملاحظه برخوردار است ، پیش از همه بیرون شدن حزب متحد ملی را از جبهه ملی خواستار بوده ، خواهان موضعگیری شفاف و روشن حزب متحد ملی در برابر نهضت چپ دموکراتیک افغانستان است.

سوگمندان باید گفت ، روال پیشبرد پروسه وحدت تا کنون به گونه بوده که به آراء و نظریات گروه دوم کمتر توجه گردیده و جدی گرفته نشده است که فقط با یک سخن کوتاه به بهانه «مخالفین وحدت» حرف ایشانرا پشت گوش نموده اند.

کمیسیون های تفاهم هر دو حزب به مثابه «خود کوزه و خود کوزه گر و خود گل کوزه» زمینه های رأیزنی و نظر خواهی اعضا را نه تنها که مساعد نساخته بل تلاش مینمایند تا اعضا را در برابر یک عمل انجام شده قرار بدهند.

برخورد های غیر مسؤلانه اینچنانی برای آینده یک سازمان سیاسی که امید های بزرگ به آن بسته شده است ، نه تنها مفید نیست بلکه خطرناک هم است زیرا آنچه آنچنانیکه گفته آمد اگر پروسه وحدت شفاف و سیال به ثمر نرسد ، افزون بر آن وحدتی را که همه مان با صمیمیت منتظر آن استیم بدست نخواهیم آورد، بل به پارچه های مختلف تقسیم خواهیم شد . یقیناً که این خواست هیچ کدام ما نبوده و نخواهد بود.

مشکل تنها در موضعگیری حزب متحد ملی نمیتواند خلاصه شود بلکه نهضت فراگیر آنچه را کشت امروز موقع آن رسیده تا درو کند.

من با چند و چون حزب متحد ملی در رابطه با پروسه وحدت کاری ندارم ، آنها خود ایشان بهتر از ما میتوانند توضیح کنند که چرا جدا شدند و چرا وحدت میخواهند ؟

حرف های من به سوی نهضت فراگیر ، سازمانیست که عضویت آنرا داشته که به صورت اختصار به آن میپردازم.

چی را نهضت فرا گیر کشت ، که امروز درو میکند ؟

ایجاد نهضت میهنی یک حرکت سالم منطقی در همان برهه مشخص بود که باید ادامه داده شده و اندیشه هایش به پختگی و قوام میرسید این نهضت که همه طیف های

دموکراتیک و به خصوص چپ دموکراتیک را با خود داشت باید به یک سازمان سیاسی فراگیر با یک دستگاه فکری معین و قابل قبول برای همه مبدل گردیده و از همان آغاز تلاش صورت می‌گرفت که سیما و هویت سازمان به مثابه یک پایگاه ضد ارتجاعی و بنیادگرایی حفظ گردد.

با در نظر داشت وضعیت نا مطمئن سیاسی ، نبود دموکراسی و آزادیهای فکری ایجاد نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان و از همه مهمتر راجستر شدن و آغاز فعالیت آن در داخل کشور یک عمل شتابزده سیاسی بود، هر باریکه خواسته ایم روی اندیشه های چپ دموکراتیک تأکید نمائیم حفظ امنیت رفقای ما در داخل کشور مانع این امر گردیده است.

هر گاهیکه ایرادی در مورد اصول مرامی نهضت فراگیر پیشکش میشد ، رهبری نهضت با خونسردی تمام چنین پاسخ میداد رفقا ! این مرامنامه نهایی نبوده ، کنگره پیشروست همه چیز اصلاح خواهد شد ، تا کنون که از کنگره نهضت نگذشته ایم کنگره وحدت مارا به سوی خویش میخواند ، یعنی با مرامنامه ناتمام و با پشتاره اختلافات به کنگره وحدت میرویم ، ببینیم که چه خواهد شد ؟

یک چیز جالب تر و آن اینکه ، نهضت فراگیر با داشتن گرایش های مختلف و ادعای تنوع افکار در حزب متحد ملی حل میشود و از سوی دیگر حزب متحد ملی به اندازه یک سر سوزن از موقف خود عقب نشینی نمیکند ، عجیب است واقعاً عجیب است ، نمیدانم سر نخ در کجاست ؟

چرا رفقای نهضت فراگیر عضو کمیسیون تفاهم در برابر پیش شرط ها ما رابه کرنش وا داشته و میگویند رفقا پروسه را خراب نکرده بگذارید همه چیز در کنگره وحدت مطرح میشود.

رفقای عزیز!

کنگره مرجع مشروعیت دهنده به قرار داد ها ، تعهدات ، میثاقها و پیمانها است ، کنگره استادیوم ورزشی نیست که برنده و بازنده معلوم شود ، اسناد که به کنگره راجع میشود باید برای رأی گیری آماده باشد نه مسایل که قبلاً به مؤافقت دو طرف نرسیده باشد. مثال ساده : کنگره دایر شد و از حزب متحد ملی تقاضاً گردید که از جبهه ملی بیرون شود ، نماینده حزب متحد ملی بلند شد و گفت ، عالیجنابان این نا ممکن است ما جبهه ملی را ترک نمی کنیم **چی کنیم ؟ به خانه بر گردیم و یا بگوییم ، خیر است بند دیگر آجندا چیست ؟ همین کنگره منظور تان است ؟

یک مثال دیگر:

در سیاست داخلی حزب متحد ملی در بند اول میخوانیم

مشی سیاسی

الف : سیاست داخلی :

- پیروی و رعایت دین مبین اسلام ، حمایت از تامین آزادی و اجرای مراسم و مناسک دینی پیروان سایر ادیان ، رعایت پسندیده ملی و مخالفت جدی با سوء استفاده از دین بمتابه ابزار سیاسی.

درین جایی شک نیست که ما دین را به صفت یک فاکتور مؤثر در روان جامعه قبول داریم و این حق را هم نداریم که با دین در مخالفت قرار بگیریم ، بر علاوه خود را مکلف به رعایت آن ، تا وقتی که دین در سطح رابطه خالق و مخلوق قرار دارد میدانیم ، با بیان دیگر ما از دین مردم پاسداری مینمائیم ، دوستان متحد ملی ما چگونه با پیروی از دین مقدس اسلام جلو سوء استفاده از دین را به متابه ابزار سیاسی خواهند گرفت ؟ مگر آخوند ملا محمد عمر غیر از پیروی از دین مقدس اسلام چیزی دیگر زیر نام شرعیت اسلامی میخواهد ؟ ویا همه چیز را قبول نموده "

پای حکم اعدام کامبخش ها مینویسیم ، تأیید است.

با احترام

چپ دموکراتیک

رفقای گرانقدر!

ما دروغ میگوئیم ، یا به خود دروغ میگوییم یا به مردم ، یکی را باید اعتراف کرد.....؟

در اخیر به همه رفقاییکه که جوهر اصلی مبارزه را هنوز با خود دارند به آنانیکه واقعاً در راه انسان زحمتکش و خیر و فلاح آن جانبازانه رزمیده اند ، به آنانیکه هیچگاهی جبونی و زبونی را نپذیرفته اند و زرق و برق دنیای سود و سرمایه وجدان ایشان را به گرو نگرفته است ، از همه رفقای حزب متحد ملی و نهضت فراگیر رفیقانه و صمیمانه تمنا میبریم که بیداری و هوشیاری خود را در راه بدست آوردن سیما و هویت از دست رفته بکار برده پروسه وحدت را به میدان مبارزه تثبیت هویت مبدل نمایند. ، ما با سر بلندی و سر افرازی نه با معامله گری ، با پشتیبانی و زور و توانایی مردم جایگاه شایسته خویش را در میان توده های ملیونی کشور عزیز ما افغانستان دریافته و به آرمانهای انسانی خویش نایل خواهیم آمد.

با عرض حرمت بی پایان به راهیان راه آزادی

پیروزی از آن ماست